



فریده ثابتی

مصاحبه با آنجی روسیو و لیزاندرو گوار*

آنجی و لیزاندرو دو کودک اند مثل می‌ایون ها کودک دیگر کشورهای جنوب. برای این که خرج تحصیل و مخارج زندگی خود را در بی‌آورند باید کارکنند. اما با دیگر بچه ها اندکی فرق دارند: آن ها خود را سازمان دهی کرده اند تا برای حقوق کودکان مبارزه کنند. اوایل ماه مه 2004 آن ها در دومین نشست جهانی کودکان کار در برلین شرکت کردند. آنجی 16 ساله است و در بوگوتای کولومبیا زندگی می کند. لیزاندرو 14 ساله است و از مرکز پرو، لیما

س: وقتی از کارکودک در کشورهای جنوب سخن به میان می آید انسان به این مساله یعنی به شرایط ویژه استثماری ای توجه می کند که از کودکان کودکی شان را می دزدد. ایها این واقعی است و روزگار شما چگونه به نظر می رسد.

آنجی: من سه روز در هفته کار می کنم. صبح ها به مدرسه می روم و شنبه ها برای سازمان مان کار می کنم. در مجموع 9 ساعت در هفته کار می کنم. قبلا با دوستم کاغد و فلزات را در خیابان ها جمع می کردیم و به تجار می فروختیم. امروز ما با 10 دخترک دیگر زینت آلات تولید می کنیم. ازین کار خوشم می آید چون هم زمان می توانم با هم کارانم به مدرسه بروم. البته گاهی وقت ها این زیاد است اما اگر من وقتم را به درستی سازمان دهم اوضاع به خوبی پیش می رود. در تعطیلات حوصله ام سر می رود زیرا ریتم زندگی ام را از دست می دهم. کاربخشی از زندگی من است و برایم هدف دارد.

لیزا: من از 5 سالگی شروع به کار کردم. به پدرم در نانوائی کمک می کردم. وظیفه ام این بود که نان و کیک را به پیرون حمل کنم. بعدا رقابت زیاد شد و پدرم مجبور شد مغازه اش را ببندد. امروز من کارهای دیگری می کنم. هرکاری که امکان داشته باشد. یک روز در میان 4 ساعت کار می کنم. گاهی آخر هفته ها را هم کار می کنم. اما اکثرا آخر هفته ها برای سازمان مان کار می کنم. من همیشه به مدرسه می روم و مخارج آن را با کار خودم تامین می کنم. برای من کار بخش ثابت زندگی و تحصیلاتم است!!

والدینم همیشه می گویند اگر روزی ما بمیریم بعد تو باید خودت از خودت محافظت کنی. " من همیشه می ترسم که اگر کار نکنم گرسنه بمانم و یا معتاد شوم"

س : ایها اکثر دوستان تان را از طریق کار می شناسید؟

آنجی : بله، البته در مدرسه هم دوستانی دارم که با آن ها خود را می شناسم اما دوستان اصلی ام را با کار می شناسم و از طریق سازمان مان.
لیزا : برای من هم شبیه آنجی است.

آنچی : در پرو 3 میلیون کودک کار وجود دارد. اما رژیم از دو و نیم میلیون بچه گدا نام می برد. در کلمبیا خرید و فروش خیابانی را ممنوع کرده اند درنتیجه پلیس کودکان کار را هم دستگیر می کند. کالاهای شان را مصادره می کند و گاه آن ها را روانه زندان می کند. در زندان با کودکان مثل بزرگسالان برخورد می شود و هیچ فرقی بین شان قایل نیستند. بسیاری از کودکان مجبورند در آشغال ها بگردند و مواد تبدیلی جمع آوری کنند. چون این کارها ممنوع است آن ها مجبورند وقتی هوا گرک میش است به این کار اقدام کنند که این به معنی شب کاری است.

بسیاری دیگر از کودکان در بازارهای روستائی کار می کنند. آن ها در حمل بار به کامیون ها کمک می کنند. بسته ها را حمل می کنند. از اتومبیل های پارک شده مراقبت می کنند. به عنوان نظافت چی مدارس کار می کنند. باز هم چون کار کودکان ممنوع است و کنترل زیادی می شود صبح خیلی زود و درتاریکی برای این کارها می آیند. این ممنوعیت برای ما به این معنی است که نتوانیم به مدرسه برویم و با توجه به میزان بالای بیکاری بزرگسالان، یا به دزدی بپردازیم یا گدائی کنیم.



این کودکان که راه دیگری جز کار کردن خود برای تامین زندگی و تحصیل که شاید با آن آینه ای بهتر برای شان فراهم شود، نمی بینند می خواهند که سازمان بین المللی کار و دیگر سازمان ها به جای ممنوع کردن کار کودکان واقع بین باشند و سعی کنند شرایط زندگی و کاری کودکان را بهتر کنند و برای شان یک زندگی شایسته را امکان پذیر سازند. حکومت ها به پائین نگاه نمی کنند. به فقرا توجه ندارند بلکه همه سعی شان این است که پولدارها پول دارتر شوند و ترقی کنند.

مدارس عمومی کم است درنتیجه باید بسیاری از کودکان به مدارس خصوصی بروند که ماهانه 30 دلار امریکا خرج دارد. بعلاوه خرج اونیفورم و ایاب و ذهاب و کتاب و غیره هم هست. اگر سازمان جهانی کار به ما فکر می کند باید در این جهت برود که مدارس عمومی کافی ایجاد شود و تحصیل مجانی باشد.

مشکل ما کار نیست بلکه فقر است. کنوانسیون شماره 138 سازمان جهانی کار فقط برای کشورهای فقیر امریکای لاتین، افریقا و آسیا اعتبار دارد در حالی که در اروپا هم کودکان زیادی کار می کنند اما این قانون آن جا صدق نمی کند. این قانون کودکان فقیر را به جرائم می کشاند. واقعیت این است که ثروت مندان دائما ثروت مند تر می شوند و فقرا فقیرتر. مشکل ما کار نیست بلکه ما به استثمار نه می گوئیم اما به یک کار شایسته بله می گوئیم.

در رابطه با کمپین های سازمان های غیرحکومتی (NGO ها) بر علیه کار کودکان لیزا می گوید گاهی وقت ها می توان

درسایت اینترنتی سازمان جهانی کار خطریه ای برای رژیم در مورد کودکان کار وجود دارد. در آن عملاً با ما مثل تروریست‌ها برخورد می‌کنند.

لیزا می‌گوید: در 20 نوامبر 2003 در هفته حقوق کودک ما تظاهرات کردیم. پلیس به ما حمله کرد و گاز اشک آور برعلیه ما به کاربرد. پلیس حتی به بچه‌های کوچک هم توجه نمی‌کرد. همه را می‌زد. بعضی‌ها را هم دستگیر کردند. ما از این عملیات عکس گرفتیم و نشان دادیم.

توضیح مترجم: کار کودکان و واقعی‌تی است که ابعادش به سراسر جهان سرمایه‌داری کشیده شده و فقط به کشورهای فقیر تعلق ندارد گرچه در محاسبات و بررسی فقط آن‌ها را در نظر می‌گیرند به مطالعات ILO و Unicef رجوع کنید. بیش از 250 میلیون کودک در جهان کار می‌کنند که البته بیشترین آن‌ها در کشورهای فقیر افریقا، آمریکای لاتین و آسیای زندگی می‌کنند. اما این کلمه فقیر تقریباً برای تمام کشورها و بویژه برای بعضی از کشورها رسا نیست زیرا مساله فقر واقعی کشور نیست بلکه عدم توزیع عادلانه ثروت در آن هاست. همان طور که آنجی این کودک کار بهتر از هر سیاست‌مداری و اقتصاددانی تحویل می‌کند، همواره ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند و فقرا فقیرتر و دولت‌ها و حکومت‌گران تنها به منافع سرمایه و سرمایه‌داران می‌اندیشند. از جمله در ایران به طور رسمی نیم میلیون کودک کار وجود دارد کودکانی که بعضی از 5 سالگی و پایی‌ن تر کار را شروع می‌کنند. ایرانی که در آن حکومت‌گران میلیاردها دلار صرف خرید اسلحه می‌کنند. میلیاردها دلار دیگر را برای خرید به اصطلاح نیروگاه اتمی در حالی که ایران بر روی دریائی از نفت و گاز قرارداد و به نیروگاه اتمی نیازی ندارد و دراصل برای تهیه بمب اتمی صرف می‌کنند. میلیاردها دلار دیگر را برای کمک به نیروهای ارتجاعی در منطقه و در سراسر جهان به هدر می‌دهند و میلیاردها دلار دیگر میلیاردر به صف میلیاردرها اضافه می‌کند به نحوی که رفسنجانی 42 مین ثروت مند جهان می‌شود. 20 درصد جمعیت 80 درصد درآمدها را به خود اختصاص می‌دهد و 80 درصد مردم در خط فقر یا زیر آن قرار می‌گیرند. یا کودکان کار را در عربستان چگونه می‌شود تعریف کرد و همین طور در امریکا و اروپا و

هرساله 12 میلیون کودک از گرسنگی می‌میرند. 160 میلیون کودک از تحصیلات ابتدائی محروم هستند. آیا می‌شود با یک بخشنامه یا با یک قانون به کار کودکان خاتمه داد. جهان نظامی دیگر می‌خواهد تا بنیاد نابرابری برچیده شود و همه چیز به همگان تعلق گیرد. ولی نباید به انتظار نشست. به جای این که آنجی‌ها کار را بخش ثابت زندگی خود درک کنند و درکی از تعطیلی و تفریحات نداشته باشند باید آنجی و دیگر آنجی‌ها و بقیه مردم یک زندگی شایسته را حق خود بدانند. کار برای بی‌کاران درس فعالیت و تحصیلات عمومی مجانی برای عموم کودکان همراه با لوازم آموزشی و لباس و تغذیه تا کودکان مجبور به کار نباشند. چنین امری در همین سیستم سرمایه‌داری هم امکان پذیر است. کاری است که زمانی سرمایه‌ها آن را انجام می‌داد اما اکنون بار آن را بردوش مردم کارگر گذاشته است. برای سرمایه‌کار کارگر گراست مهم نیست که کودک باشد.

* - ترجمه بخشی از مصاحبه ای که تحت عنوان " نه به استثمار، بله به یک کار شایسته" در روزنامه یونگه ولت 8/7 اگوست 2004، شماره 80 چاپ شده بود.